

## زنان و حزب ایران نوین

○ فاطمه صفوی

### اشاره

در فرهنگ سیاسی، احزاب از مهمترین نهادها در شکل‌دهی به حکومت‌های جدید قلمداد شده‌اند. آنها ابزاری برای تحکیم اقتدار حکومتها، شبکه‌ای برای مشارکت گروههای اجتماعی در صحنه سیاست، سازوکاری برای برانگیختن هواداری توده‌ها از مقاصد سیاسی نخبگان، حلقه‌ای برای پیوند دادن گروههای قومی، صنفی و مذهبی و وسیله‌ای برای تظاهر به مردمی بودن حکومتها هستند. از این رو کمتر نظام حکومتی جدیدی را می‌توان یافت که بتواند بدون وجود یک یا چند حزب بسر برد. حتی در رژیمهای دیکتاتوری فرمانروایان سعی می‌کنند به وسیله این ابزار به سلطه خود مشروعیت بخشند.<sup>۱</sup>

احزاب عملکردهای گوناگونی دارند که برخی آشکار و برخی دیگر پنهان هستند. از جمله عملکردهای آشکار آنها شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در جریان انتخابات، سازمان دادن به انتخاب شوندهگان و اعمال نفوذ بر آنهاست. عملکرد پنهان حزب از کار کردهایی است که از حزب انتظار نمی‌رود و بسته به مقتضیات و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حزب آنها را انجام می‌دهد. از آن جمله است برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و نظام سیاسی، جذب تازه‌واردین به سیستم، مسالمت‌آمیز کردن رقابت‌های قدرتی یا مدیریت منازعه.

در نگاهی اجمالی به تاریخ سیاسی ایران دیده می‌شود که حزب سیاسی به مفهوم جمعیت‌هایی که شرایط آنها در بالا یاد شد پیشینه چندانی ندارد. اما بعد از دوران مشروطه آن هم به صورت منقطع شاهد فراز و فرود احزابی هستیم که با استبداد مطلقه یا بحرانهای سیاسی بروز می‌یافتند و سپس متلاشی می‌شدند. در دوران استبداد پهلوی دوم بعد از کودتای ۱۳۳۲ به گونه‌ای از

احزاب برمی‌خوریم که از بستر اجتماعی برخوردار نبوده، بدون اتکا و حمایت مردم و تنها به دستور عوامل قدرت از بالا تشکیل می‌شدند و وظیفه‌ای جز حفظ و تقویت قدرت سیاسی حاکم نداشتند. این احزاب از اجزای ساختار سیاسی و حکومتی همان عصر بوده که به دفاع همه جانبه از قدرت و حکومت مرکزی می‌پرداختند و خود از وسائل استبداد داخلی به شمار می‌رفتند. این دسته از احزاب به احزاب دولتی معروف بودند.

### کانون مترقی و چگونگی پیدایش حزب ایران‌نویین

اندکی پیش از سال ۱۳۴۰ش، گروهی متشکل از ۳۰ نفر به رهبری حسنعلی منصور «کانون مترقی» را بنا نهادند تا اندیشه‌ها و فعالیت‌های خود را عملی سازند. در سال ۱۳۴۰ رسمیت این جمع با تدوین اساسنامه و کسب مجوز صورت قانونی گرفت. آنها می‌خواستند با مطالعه و تحقیق درباره مسائل فنی، اقتصادی، مالی کشاورزی، حقوقی، فرهنگی بهداشتی و دیگر مسائل اجتماعی به رفع نواقص مملکتی پردازند.

کانون مترقی که در بهار سال ۱۳۴۱ در اوج قدرت حزب ملیون و نخست‌وزیری دکتر منوچهر اقبال کار خود را شروع کرد، بر دو رکن مجمع عمومی و هیأت مدیره استوار بود و عدم دخالت در امور سیاسی از نکات مهم مندرج در اساسنامه آن بود.

گفته می‌شود تأسیس کانون مترقی و پس از آن حزب ایران‌نویین و حضور منصور به عنوان رهبر نخبگان و تحصیل‌کردگان آمریکایی طرحی بود که با همدستی «گراتیان یاتسویچ» رئیس بخش سیا در ایران ریخته شد.<sup>۲</sup>

با تعطیلی دوره بیستم مجلس توسط شاه و برگزاری انتخابات جدید، تمنای کسب کرسی‌های نمایندگی دوره بعدی از اهداف اصلی کانون به شمار می‌رفت. در شهریور ماه سال ۴۲ پس از وقایع خرداد آن سال، «کنگره آزادمردان و آزادنان» با شرکت نخست‌وزیر وقت، علم، و اعضای کابینه و بیش از دو هزار نفر برگزار شد و در پایان کار لیست اعضای نمایندگان مجلس را اعلام کرد. در واقع انتخابات به انتصابات تبدیل شد. پس از ورود نمایندگان به مجلس، اعضای کانون مترقی فراکسیون مترقی را تشکیل داده و با ائتلاف با دیگران اکثریت مجلس را به دست آوردند و «ائتلاف نهضت ششم بهمن»<sup>۳</sup> را تشکیل دادند. سپس منصور به عنوان ریاست کانون برای تشکیل حزب ایران‌نویین نزد شاه رفت و بدین ترتیب موجودیت حزب ایران‌نویین در ۲۸ آبان ۱۳۴۲ در مجلس شورای ملی اعلام شد. شاید بتوان گفت، فعالیت برجسته سیاسی «حسنعلی منصور» برپایی هسته اولیه کانون مترقی و به دنبال آن تأسیس حزب ایران‌نویین بود که او را تا بالاترین مقام اجرایی کشور بالا برد. بدین ترتیب حزب ایران‌نویین که از تغییر نام کانون مترقی در آذر ۱۳۴۲ به وجود آمد<sup>۴</sup> بزرگ‌ترین و ماندگارترین حزب دولتی اکثریت بود که بیش از یک دهه در

فضای خالی از فعالیت‌های حزبی واقعی به حیات خود ادامه داد. و نیز برخلاف اساسنامه خود به جای تکیه بر تحقیقات اقتصادی و عدم دخالت در امور سیاسی، به حوزه‌های سیاسی پرداخته، به تأثیرگذاری در این عرصه پرداخت.

یکی از هدفهای دولت در ایجاد حزب ایران‌نویین جلب عده کثیری از جوانان دانشگاه دیده به منظور دستیابی حاکمیت به اهداف خود بود. اجرای این طرح در انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی با نامزد کردن عده قابل توجهی از تحصیل‌کردگان آغاز شد. مهم‌ترین شرط عضویت در حزب ایران‌نویین اثبات وفاداری به شاه و تعلق خاطر به سیستم حکومت او بود. عده زیادی با سوابق تحصیلی عالی و تخصص‌های گوناگون برای دستیابی به کار و حرفه مناسب به خدمت دستگاه درآمدند. ولی اکثریت قریب به اتفاق کسانی که به مقامات بالای سیاسی رسیدند آنهایی بودند که با ساواک ارتباط و همبستگی تنگاتنگ داشتند. اینان که به غایت جاه‌طلب بودند برای کسب شهرت و مقام روح خود را به شاه و رژیم او فروختند.<sup>۵</sup>

در کتاب سیاست خارجی آمریکا و شاه در خصوص چگونگی پیدایی این حزب آمده است: «حزب ایران‌نویین که طرفدار دولت بود در اواخر سال ۱۹۶۳ جانشین حزب ملیون شد. این حزب از سوی گروه کوچکی از تکنوکراتهای جوان به رهبری حسنعلی منصور که در اوائل سال ۱۹۶۴ به نخست‌وزیری رسید تأسیس شد. حزب ایران‌نویین خود را حزبی پیشرو معرفی کرده و از برنامه اصلاحاتی انقلاب سفید شاه استقبال کرد. این حزب به سرعت به صورت پاره‌ای از دستگاه حکومت درآمد و از ساواک و دفتر نخست‌وزیری کمک‌های مالی دریافت می‌داشت. و بسیاری از وظیفه‌هایی را که پیشتر از آن سازمان‌های حکومتی انجام می‌دادند به سرعت به عهده گرفتند. تا سال ۱۹۷۴ حزب ایران‌نویین به صورت یک شبکه پیشرفته برای دربرگیری نهادها درآمده و تقریباً نود درصد اتحادیه‌های کارگری و تعاونی‌های روستایی را کنترل می‌کردند و با بسیاری از صنف‌های بازاری و نیز سازمان‌های بهداشتی، سوادآموزی و توسعه که بر اثر انقلاب سفید پدید آمده بودند پیوند و ارتباط داشتند. این حزب شصت و هفت روزنامه و مجله منتشر می‌کرد و شبکه‌ای از کانون‌های جوانان را در سراسر کشور به گردش درمی‌آورد و حتی اقدام به تأسیس یک دانشکده برای آموزش مدیران سیاسی کرد. حزب ایران‌نویین تا سال ۱۹۷۴ دارای دویست هزار عضو بود که حق عضویت می‌پرداختند و ۲۲۹ کرسی مجلس را در دست داشت. به هر حال این حزب نیز مانند حزب پیشتر از خود از هیچ‌گونه مشروعیت همگانی برخوردار نبود و نهادی مردمی به شمار نمی‌آمد.»<sup>۶</sup>

همانطور که در تاریخ تکوین حزب ملاحظه می‌گردد نخستین دبیرکل آن حسنعلی منصور بود که در اسفند ۱۳۴۲ به نخست‌وزیری منصوب شد. با قتل او در بهمن ۱۳۴۳ معاون دبیرکل، امیرعباس هویدا، به نخست‌وزیری و دبیرکلی حزب رسید. البته بر سر تعیین سمت دبیرکلی

اختلاف نظرهای شدید و کشمکشهایی به وجود آمد. روشنفکران عموماً طرفدار هویدا بودند و طبقه وابسته به کارگران که تشکیلات داخلی حزب در قبضه‌شان بود برای دبیرکلی عطاءالله خسروانی فعالیت می‌کردند و افراد بی‌طرف حزب نیز دو دسته شده بودند؛ جمعی از دکتر عاملی وزیر وقت دادگستری و برخی از دکتر زاهدی طرفداری می‌کردند.

حزب ایران‌نوین در مجالس دوره‌های بیست و دوم و بیست و سوم در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۰ به ترتیب با کسب ۱۸۰ و ۲۲۱ کرسی اکثریت را داشت و در اسفند ۱۳۵۳ هم‌زمان با تشکیل حزب فراگیر رستاخیز چونان دیگر احزاب دولتی منحل و در این حزب ادغام شد.

پس از هویدا، دبیرکلی حزب را تا انحلال آن به ترتیب عطاءالله خسروانی و منوچهر کلّالی به عهده گرفتند. غالب وزرا و مقامات حکومتی کشور و نیز اکثر نمایندگان مجالس سه دوره بیست و یکم تا بیست و سوم طی سالهای حیات حزب ایران‌نوین عضو این حزب دولتی بودند. در ساختار حزب ایران‌نوین علاوه بر کمیته مرکزی، کمیته اجرایی و دفتر سیاسی، شعبی در سراسر کشور داشت و سازمان‌های جوانان، زنان، کشاورزان، کارگران، بازرگانان، سندیکاهای کارگری و اتحادیه اصناف در شمار تشکیلات وابسته لحاظ شده بود. این حزب همچنین مبادرت به تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی و امور حزب کرد که پس از انحلال، همچون سایر نهادهای وابسته به احزاب موجود به حزب رستاخیز انتقال یافت. حزب ایران‌نوین نشریاتی نیز منتشر می‌کرد. روزنامه ندای ایران‌نوین ارگان آن محسوب می‌شد.<sup>۷</sup>

عمده تلاش حزب بر این بود که نظر رجال سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را به عضویت جلب کرده و رفته رفته تسلط خود را بر کلیه مراکز قدرت افزایش بخشد. با اعلام موجودیت حزب عده‌ای از نمایندگان مجلس از مناصب خود در حزب مردم (حزب رقیب) استعفا داده و به طور رسمی به حزب جدید ملحق شدند.

### زنان و حزب

حسنعلی منصور تلاش می‌کرد از هر قشر و طبقه‌ای در حزب خود عضو بگیرد. او دامنه این امر را به حوزه‌های کارگری و کشاورزی گستراند. برای تحقق این هدف فعالیت در حوزه زنان که مدنظر حاکمیت نیز بود می‌توانست مؤثر واقع شود. در بین گروهی که نزد شاه رفتند تا مجوز تشکیل حزب جدید را از وی بگیرند خانم مهرانگیز دولتشاهی هم حضور داشت. همچنین در بین اسامی هیأت مؤسس حزب نام خانم‌ها دکتر فرخ‌رو پارسا، دولتشاهی، نیره ابتهاج، عذرا ضیائی، عفت نحوی، صدری بزرگ‌نیا و هاجر تربیت دیده می‌شود. در بین اسامی اعضای علی‌البدل نیز نام خانم‌ها مهروش (مستوفی) صفی‌نیا و ملکه بیانی وجود داشت. علاوه بر این گفته شده که از

جمله خانم‌هایی که از حزب رقیب به حزب ایران‌نویین پیوست مهرانگیز منوچهریان بود. اولین جلسه شورای مرکزی حزب (متشکل از دبیرکل و ۶۰ نفر اعضای اصلی همراه ۱۵ نفر اعضای علی‌البدل) که به مدت سه سال انتخاب شدند در ۱۶ دی ماه سال ۱۳۴۲ تشکیل شد و ۲۰ نفر هیأت اجرایی از میان شصت عضو اصلی انتخاب شدند که فرخرو پارسا و عذرا ضیائی در بین اعضای بیست نفره هیأت اجرایی بودند. و به طور کلی در سوابق موجود از این حزب دیده می‌شود که در بین ۶۰ نفر از اعضای عالی‌رتبه هیأت مؤسسين، خانم‌ها هاجر تربیت، مهرانگیز منوچهریان، جهانبانی، سمیعی، ضیائی، نحوی، صدری بزرگ‌نیا و دکتر توران رئیس‌بخش، حضور داشتند.

پس از وقوع اختلافات درون حزبی بر سر تعیین دبیرکل و درگیردار این اختلافات و دوران پس از آن، در فصل دبیرکلی خسروانی، همواره در بین اعضای هیأت اجراییه این حزب خانم‌ها دکتر مهرانگیز دولتشاهی، عذرا ضیائی، صدیقه موسوی همدانی و بزرگ‌نیا حضور داشتند. و در بین اعضای هیأت رئیسه شورای مرکزی حزب هم خانم هاجر تربیت به عنوان نایب رئیس و خانم فخری رهرو به عنوان منشی برگزیده شده بودند و تغییری در روند حضور بانوان در عرصه این فعالیت دیده نمی‌شد. در خلال همین سالها و تحت رهبری خسروانی در بین اعضای ۹ نفره دفتر سیاسی نام دکتر فرخرو پارسا همیشه دیده می‌شود.

در اوایل اردیبهشت سال ۱۳۴۵ خسروانی دبیرکل حزب اعلام کرد که به زودی سازمان زنان حزب ایران‌نویین فعالیتش را در راستای متشکل کردن و حضور جدی‌تر زنان در عرصه سیاسی و حزبی آغاز خواهد کرد. در مهر ۱۳۴۵ رهبران حزب تصمیم گرفتند با برگزاری سمیناری با عنوان زنان حزب ایران‌نویین و بهره‌گیری از نفوذ افرادی مانند اشرف پهلوی زمینه حضور و فعالیت جدی‌تر و چشمگیرتر زنان را در حزب فراهم آورند. حزب ایران‌نویین با دادن برخی وعده‌ها و صدور اعلامیه‌ها پیرامون حمایت از حقوق زنان در امور مختلف خانوادگی، اقتصادی، قضایی و غیره سعی کرد بر جماعت زنان عضو حزب بیفزاید. همچنین تبلیغ می‌کرد که زنان عضو این حزب مطالعات گسترده‌ای را پیرامون استیفای حقوق زنان آغاز کرده‌اند و به زودی در این راستا لوایحی برای تصویب به مجلس ارائه خواهد شد.<sup>۸</sup>

در اوایل سال ۱۳۴۹ که دکتر کلالی دبیرکلی حزب را برعهده داشت سازمان بانوان همچنان در نمودار تشکیلاتی حزب خودنمایی می‌کرد. در دومین کنگره حزب ایران‌نویین که با شرکت ۳۱۴۸ نفر نمایندگان کمیته‌های شهرستانها، بخش‌ها، استان‌ها، حوزه‌ها و سازمان‌ها و تعدادی از مدعوین حزبی و ۱۵ نماینده از کشورهای خارج و جمعاً با حضور ۳۶۰۰ نفر تشکیل شد، ریاست سنی جلسه به عهده هاجر تربیت بود و در بین سخنرانان، خانم‌ها حشمت بیگدلی نماینده آذربایجان

شرقی، پروین معینی و خانم شاهرخی سخنرانی کردند. در آستانه برگزاری دومین کنگره حزب که وظیفه‌اش انتخاب اعضای شورای مرکزی و دبیرکل آن بود، سران حزب در تبلیغات خود اعلام کردند مقید به رعایت دموکراسی حزبی بوده و سعی می‌شود حقی ضایع نگردد. این کنگره در روز ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۰ برگزار گردید. ساواک در این خصوص چنین گزارش می‌دهد:

با توجه به لیست اسامی منتخبین و میزان شهرت و محبوبیت و معروفیت حزبی انتخاب‌شدگان کاملاً روشن است که انتخابات اعضای شورای مرکزی بر مبنای نظریات شخصی بوده و لیست اعضای شورای مرکزی را قبلاً تهیه نموده و یک انتخابات هم، جهت حقیقی جلوه‌گر ساختن آن انجام داده و برای اثبات و تأیید از ماشین آی. بی. ام استفاده کردند.

پس از برگزاری کنگره، اعضای هیأت اجرایی تعیین شده و هویدا به سمت رئیس هیأت اجرایی و منوچهر کلالی به دبیرکلی حزب برگزیده می‌شود و در میان ۱۰۵ نفر دیگر اعضا، اسامی خانم‌ها: پارسا، معصومه ملک‌زاده، پروین صوفی، مهرانگیز دولتشاهی، زبینه امینی و فاطمه خردمند دیده می‌شود.<sup>۹</sup>

در جلسه فراکسیون پارلمانی حزب نیز که به ریاست آقای الموتی درباره انتخاب ۲۳ نفر هیأت اجرایی از طرف فراکسیون حزب گفتگو شد، پس از رأی‌گیری نام نیره ابتهاج سمیعی در بین منتخبین بود. ساواک به زشتی ائتلاف جناح‌های مختلف در هیأت اجرایی تهران اشاره و به حذف افراد متفکر حزب تأکید کرده است. در همین جلسه، هیأت اجرایی و اعضای دفتر سیاسی نیز انتخاب شده که نام خانم پارسا در بین ۱۰ نفر بقیه مشاهده می‌شود.

به این ترتیب در میان زدوبندهای سیاسی که منجر به احراز موقعیت‌های مطلوبی در مجلس می‌شد نام زنان نیز مدنظر بود و آنها از این بند و بست‌های سیاسی به دور نبودند. نکته جالب توجه این که خانم فرخ‌رو پارسا در دوران چهار دبیرکل در ساختار اصلی حزب حضور داشت.

### نمایندگان مجلس شورای ملی و عضو فراکسیون پارلمانی حزب ایران‌نویین

دوران فترت بین مجلس بیستم و مجلس بیست و یکم دو سال و پنج ماه به طول انجامید. انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی و دوره چهارم سنا در زمان نخست‌وزیری علم به ترتیب خاصی که تا آن زمان سابقه نداشت یعنی با تشکیل کنگره‌ای از طبقات مختلف به نام «کنگره آزادزان و آزادمردان» (که اعضای آن از طرف دولت انتخاب شده بودند) با معرفی نامزدهای نمایندگی مجلس از طرف این کنگره صورت گرفت و همه نامزدهای این کنگره به

مجلس راه یافتند. در این انتخابات برای نخستین بار به زنان هم حق رأی داده شد و شش زن به نمایندگی مجلس شورای ملی و دو زن به سناتوری مجلس سنا انتخاب شدند.

چند ماه بعد از افتتاح مجلس بیست و یکم، حسنعلی منصور رهبر حزب تازه تأسیس به نخست‌وزیری منصوب شد و مجلس شورای ملی به اتفاق آراء به دولت او رأی اعتماد داد. در مجلس سنا هم از ۵۲ نفر سناتور، ۵۱ نفر به دولت رأی اعتماد دادند.

افتتاح مجلس بیست و یکم با اکثریت نمایندگان حزب ایران‌نویین (کانون مترقی) و هم‌پیمانان حسنعلی منصور، نخست‌وزیر و دبیرکل این حزب، سبب شد که حزب مردم به عنوان حزب اقلیت از خود فعالیت دیگری نشان داده، با تشکیل فراکسیون پارلمانی خودنمایی کند. حزب مردم در این دوره از مجلس، گذشته از مخالفت با لوایح و طرح‌های کوچک و بزرگ دولت حزبی منصور و هویدا فعالیت دیگری از خود بروز نداد، مگر در آستانه انتخابات که کمیسیونها و شعبه‌های حزبی رونق می‌گرفت. در واقع این کانون مترقی بود که مجلس دوره ۲۱ شورای ملی را در اختیار گرفت و با نفوذ در ارکان اساسی تشکیلات کشوری مقاصد خود را به اجرا درآورد. همانطور که یاد شد دوره بیست و یکم مجلس که پس از تصویب اصول انقلاب سفید شروع به کار کرد، از نمایندگان احزاب ایران‌نویین و مردم و نیز تعدادی از نمایندگان مستقل و منفرد تشکیل شده بود و هر یک به عنوان اکثریت و اقلیت نقش‌هایی را ایفا می‌کردند تا تصویری از دموکراسی موردنظر شاه را در اذهان عمومی ایجاد کنند.

۱۶۱

در نوشته‌های مورخین و محققین به صراحت آمده است که سهمیه‌بندی کرسی‌های نمایندگی مجلس بین احزاب از رویه‌های معمول انتخابات دوران پهلوی بود. مردم نیز با بی‌اعتنایی به انتخابات و عدم حضور نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دادند.

در سندی می‌خوانیم: «در کنگره (کنگره دوم حزب) همه شاهد بودند که لیست‌ها شبانه بین دستجات شرکت‌کنندگان به نام حزب توزیع گردید و شماره‌های موردنظر را در این لیست علامت‌گذاری نمودند. و گروه‌های کشاورزان و کارگران علامت گذارده شد. اکثر افرادی که انتخاب شده‌اند اگر به طور طبیعی رأی گرفته می‌شد حتی یک رأی هم نمی‌آوردند. البته منکر حسن نیت دبیرکل و افراد رده اول حزب نمی‌توان شد ولی افرادی مانند «ناصرزاده»، «شیخ بهایی»، «وحید صائبی» و «مهندس بلوری» ناگهان پیدا می‌شوند و هر یک ایادی خود را در انتخابات شورای مرکزی تحمیل می‌کنند. سناتور بلوری برای این که خواهر خودش خانم «طلعت بلوری» را به شورای مرکزی و متعاقب آن به مجلس بفرستند حاضر بود هر فرد فاسدی را که دیگران به او تحمیل می‌کردند قبول کند تا معامله پایاپای انجام دهد و خواهرش را موفق گرداند. با چنین افراد مفسد و یا چنین انتخابات شورای مرکزی دیگر چه انتظاری از مردم شهرستانی ساده می‌توان داشت.» در ادامه همین سند آمده است: «شیخ بهایی



در سازمان اصناف سبب بروز اختلافاتی بین اصناف گردیده است و خودش از نظر اخلاقی فاسدترین افراد می‌باشد و سازمان اصناف را پناهگاه زنان بدنام کرده است و چند تن از آنها را به عنوان عضو شورای مرکزی با حمایت مستقیم خود به شورا تحمیل کرده است.<sup>۱۰</sup>

رهبران این احزاب جهت فریب افکار عمومی و تبلیغات داخلی و خارجی به حضور مردم در پای صندوقها نیاز داشتند و تلاش می‌کردند به حداقل‌های لازم دست یابند. از این رو به هر وسیله‌ای دست می‌یازیدند تا دسترسی به اهدافشان میسر گردد؛ به نحوی که استفاده از زنان زیبا و جوان جهت ترغیب و تهییج جوانان برای مشارکت در انتخابات ترفندی معمول بود که انعکاس آن به فراوانی در اسناد ساواک دیده می‌شود.

ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که در دوره بیست و یکم از میان ۱۲۹ نفر نماینده این حزب در مجلس شورای ملی خانم‌ها: هاجر تربیت، شوکت جهانبانی و مهرانگیز دولتشاهی حضور داشتند.

یکی از مشکلاتی که حزب با آن مواجه بود اختلاف بین نامزدها بود. در برخی موارد رقابت‌های حزبی در حوزه‌های انتخاباتی علاوه بر اینکه بین دو حزب اقلیت و اکثریت رخ می‌داد بین اعضای حزب ایران‌نوین نیز چالش‌هایی وجود داشت که بحث‌انگیز می‌شد. از جمله می‌توان به اختلاف شدید خانم ابتهاج سمیعی و مهدی احمد دو نامزد رشت اشاره داشت.

نمونه دیگر درباره مهندس هوشنگ کمانگر نماینده مجلس شورای ملی و عضو فراکسیون اکثریت است که به اتهام تکروری و عدم اجرای مقررات و انضباط از حزب ایران‌نوین اخراج شد. وی در این مورد گفت: «اینجانب از آغاز دوره کنونی مجلس شورای ملی ریاست کمیسیون فرهنگ و هنر را به عهده داشته و در این مدت با کمال جدیت و وظایف محوله را انجام داده و از هرگونه سوءاستفاده و اعمال بی‌رویه‌ای که بعضاً همکاران من در کمیسیون انجام می‌دادند جلوگیری نموده‌ام لکن این رفتار مطلوب نظر اعضای کمیسیون نبوده و مرا مانع اجرای مقاصد خود دانسته و با تبانی قبلی خانم مهرانگیز دولتشاهی را کاندیدای ریاست کمیسیون مذکور نموده و در جریان اخذ رأی هر دو ما رأی مساوی آوردیم ولی خانم دولتشاهی به دلیل اینکه نیمی از اعضا به مشارالیها رأی نداده‌اند رسماً استعفا داده و در نتیجه اینجانب به سمت ریاست کمیسیون انتخاب و این اقدام موجب گردید که مورد تهدید همکاران قرار گرفته و به ناچار از عضویت حزب ایران‌نوین کناره‌گیری نمودم ولی موضوع در روزنامه ندای ایران‌نوین ارگان حزب به صورت دیگر منعکس و مرا به عنوان تکروری و عدم رعایت انضباط حزبی اخراجی از حزب اعلام نمودند. بر اثر این اقدام به حزب مراجعه و طی یادداشتی خیر مزبور را تکذیب و آن را به مسئولین حزب ایران‌نوین ارائه ولی از درج آن خودداری گردید.»<sup>۱۱</sup>



نبود سوابق اجتماعی در نامزدهایی که به مجلس شورای ملی راه می‌یافتند، موضوعی بود که دستگاه امنیتی حکومت پهلوی در گزارشها و ارزیابیهای خود بدان اشاره می‌کرد. «بدین معنی که شخص در محل زندگی‌اش مورد علاقه مردم باشد [و] به علت خدماتی که به مردم شهر خود کرده است [و] کارهای عمرانی و یا خیریه‌ای که انجام داده مردم او را می‌شناسند و به نسبت برایش احترام و ارزش اجتماعی قائل هستند» در میان نامزدها وجود نداشت. و یا نامزدهایی بودند که بدون سوابق حزبی و سیاسی و صرفاً با توجه مقامات بالاسر وارد مجلس می‌شدند. «به عنوان نمونه خانم مهین مزارعی را باید نام برد که از فسا نماینده پارلمان شد. وی تاریخ عضویت حزبی‌اش بعد از تاریخ پرسشنامه داوطلبی او برای نمایندگی است.»

فقدان سوابق فعالیت‌های سیاسی، وجود پیوندها و ارتباطات خانوادگی، اعمال قدرت از ناحیه دارندگان جایگاههای اجتماعی خاص (نظامیان) موجب می‌شد که ساواک که خود مظهر عدم مقبولیت و مشروعیت بود نسبت به مشروعیت چنین رفتارهایی ابراز تردید نماید.

خانم ژاله ضربابی کاندیدای کاشان عروس تیمسار صفاری است و با اینکه کاشی است کمترین طرفداری در محل ندارد و مخصوصاً گروهی از اهالی کاشان با توجه به سوابق پسر سناتور صفاری که چندی پیش شایع بود خود با پسر یکی دیگر از سرشناسان ازدواج کرده این عمل حزب را نوعی توهین به خود تلقی می‌کنند.

در این سند با اشاره به این که معیارها جای خود را از دست داده‌اند، می‌خوانیم «خانم ضربابی (ژاله) را اصلاً کسی نمی‌شناسد. وی نه دارای سوابق اجتماعی است؛ بلکه او عروس تیمسار صفاری است و صفاری در لباس حزبی به عنوان قطب تجلی می‌کند و خودش سناتور می‌شود و عروسش از کاشان علیرغم میل مردم سر درمی‌آورد و خواهرزاده‌اش هم از لاهیجان به مجلس می‌رود.» این سند می‌افزاید: «در منطقه اصفهان خانم پیرزاده خواهر آقای پیرنیا به همین صورت به مردم تحمیل می‌شود. داماد خانم پیرنیا به نام آقای جندقی از کرمان سردر می‌آورد و پیشکار پیرنیا به نام آقای رضا سجادی از منطقه خراسان راهی مجلس می‌شود و ایشان هم به رقابت با قطب‌های دیگر در این مبارزه سهمیه خود را می‌گیرند... در گناباد زهرا اقبال بالاخره با اعمال قدرت مسئولین انتخابات خودش را برای وجود برادرش که قطب دیگری است تحمیل می‌کند.»<sup>۱۲</sup> ساواک نمونه‌هایی از این دست را برمی‌شمارد تا پرونده قطور انتخابات دوره بیست و سوم را کامل کند. این سازمان می‌نویسد حقیقت این است که شاید تا حدود پانزده درصد از نمایندگان انتخاب شده نه فقط طرف قبول مردم نیستند بلکه نسبت به آنها بغض و کینه دارند و اگر ما این پانزده درصد را که بسیار عادلانه محاسبه شده و هر کدام را نماینده لااقل پنجاه هزار نفر مردم بدانیم یک رقم چشمگیر از مردم این مملکت نسبت به روش انتخابات و نتیجه آن بدبین هستند.<sup>۱۳</sup> در جای دیگری می‌خوانیم: «خانم صدری بزرگ‌نیا

دختر دایی دبیرکل (منوچهر کلالی) دو دوره است که نماینده مجلس می‌شود.<sup>۱۲</sup> در فراکسیون پارلمانی مجلس بیست و سوم<sup>۱۵</sup> خانم صدری بزرگ‌نیا جزء اعضای هیأت رئیسه فراکسیون بود.

سندها درباره این نماینده حرف‌های دیگری هم دارند. در یکی از اسناد می‌خوانیم که خانم صدری بزرگ‌نیا نامزد حزب از خوفا و دکتر مدرسی کاندیدای حزب مردم از تربت حیدریه چند روز است که به مشهد وارد و با استاندار ملاقات و به علت آشنا نبودن به محل نمی‌دانند در موقع عزیمت به حوزه انتخابیه خود به کجا مراجعه نمایند. ریاست ساواک ذیل تلگرام مذکور پی‌نوشت کرده که یک نفر از حزب ایران‌نوین و دیگری از حزب مردم است و کاندیدای دو حزب می‌باشند و رؤسای این دو حزب باید از نماینده خود پذیرایی و استقبال نمایند؛ اگر این وضعیت را ندارند چگونه می‌خواهند وکیل شوند.<sup>۱۶</sup>

فقدان سابقه درخشان حزبی، عدم معرفیت محلی، فقدان خدمات اجتماعی، عدم پذیرش عمومی، تحمیل نماینده به مردم از سوی حزب با همکاری شهرداری و وزارت کشور، نکاتی است که در این گزارش بدان تأکید شده و اعمال قدرت و قوم و خویش بازی در انتخابات و عدم رضایت عمومی از این گونه فعل و انفعالات را یک امر بدیهی قلمداد می‌کند.

### زنان در منصب رؤسای حوزه‌های حزبی

حزب ایران‌نوین در سال ۱۳۴۸ دارای ۱۵۳ حوزه حزبی بود که برخی از زنان ریاست آن حوزه‌ها را به عهده داشتند. از آن جمله‌اند: خانم ایران شیخ (عضو انجمن شهر پایتخت)، خانم حشمت بیگدلی<sup>۱۷</sup> رئیس دبیرستان یکتا، ناهید پزشکی رئیس دبیرستان آزر، حوری صولتی رئیس کتابخانه حزب ایران‌نوین، خانم هاجر تربیت، خانم شوکت جهانبانی، صدیقه موسوی همدانی، ملکه طالقانی رئیس دبیرستان جام جم، خانم زهرا نبیل، خانم تاج‌الملک سمیعی<sup>۱۸</sup> نماینده مجلس شورای ملی، خانم فخری رهرو<sup>۱۹</sup> رئیس اداره کل راهنمایی تحصیلی، پروین صوفی سیاوش مدیرکل تربیت معلم، پریچهر حمیدی عضو وزارت اطلاعات و معاون روستایی، عاطفه امیرابراهیمی بیژن رئیس بیمارستان بیژن، رفعت یزدی طباطبایی نماینده کارگران هتل هیلتون، خانم احترام‌السادات اشرف عضو وزارت کشاورزی، خانم مهروش مستوفی‌نیا دبیر آموزش و پرورش، فرزانه بیگدلی رئیس دبیرستان یکتا.

همچنین در برخی کمیته‌ها زنان حضور داشتند و در برخی موارد در رأس آن قرار می‌گرفتند. نیره سعیدی و عاطفه امیرابراهیمی از اعضای کمیته امور اجتماعی و هنری حزب بودند. هدف این کمیته تأثیرگذاری بر افکار جوانان و دانشجویان و آشنایی آنان با فلسفه انقلاب سفید بود.

## ردپای سیا در حزب ایران‌نویین

آمریکا قسمتی از سیاست‌های خود را از طریق تشکیل کمیته‌ای محرمانه در حزب ایران‌نویین دنبال می‌کرد. با استناد به اسناد ساواک قدرت داخلی این حزب کاملاً در اختیار این کمیته بود که از طرف مقامات سیاسی آمریکا (سیا) تقویت می‌شد. در سندی می‌خوانیم: «هر تصمیمی که این کمیته بگیرد شورای مرکزی حزب کورکورانه آن را مورد تصویب و تأیید قرار می‌دهد. کارگردانی کمیته آمریکایی حزب را سه نفر به نام کلالی، دکتر یگانه وزیر مشاور و دکتر رشتی بر عهده دارند. این کمیته اختیارات وسیعی دارد.»<sup>۲۰</sup> همسر منوچهر کلالی (فرانسوی) رابط بین سیا و این کمیته بود و سالها در سفارت آمریکا اشتغال داشت و از زمانی که دکتر کلالی مسئول حزب ایران‌نویین می‌شود او به ظاهر کار در سفارت را ترک می‌نماید.

محترماً به عرض می‌رساند در تاریخ ۱۳۴۶/۳/۲۱ ساواک تهران ضمن ارسال گزارش خبری اعلام داشته ژانین<sup>۲۱</sup> کلالی همسر نامبرده بالا که خارجی و تا دو سال قبل در اداره اطلاعات سفارت آمریکا خدمت می‌نموده است از موقعی که دکتر کلالی مسئول سیاسی حزب ایران‌نویین گردیده مشارکات از سمت خود در اداره مزبور استعفا داده و در حال حاضر نیز با برخی از بانوان خارجی که از همکاران سابق وی در اداره اطلاعات سفارت آمریکا می‌باشند رفت و آمد می‌نماید. لذا مراتب به اداره کل هشتم (ضدجاسوسی) منعکس، پاسخ واصله حاکی است که طبق یک اطلاعیه تأیید نشده همسر دکتر منوچهر کلالی به مدت دو سال منشی «کیو» دبیر اول سفارت آمریکا در ایران که ظاهراً خود را عضو اداره سیاسی سفارت آمریکا معرفی می‌کند و در حقیقت یکی از رؤسای سازمان سیا و جزو افراد باند «کلنل»<sup>۲۲</sup> یا رئیس سازمان سیا در ایران محسوب می‌گردد بوده است. کیو که مدت هشت سال در ایران مأموریت داشته، مشوق حسنعلی منصور و اطرافیان وی در تأسیس کانون مترقی و حزب ایران‌نویین بوده است.<sup>۲۳</sup>

## زنان حزب ایران‌نویین و دیگر سازمانها

گفته شد که در ساختار حزب ایران‌نویین کمیته‌های متعددی همچون کمیته‌های استان، شهرستان و بخش وجود داشت. در کنار کمیته‌ها، سازمانهایی چون جوانان، کارگران، اصناف بازرگانان و زنان نیز تأسیس شده بود.

حزب معتقد بود که شورای زنان مورد اعتماد و اقبال روزافزون زنان کشور قرار دارد و در حال گسترش است. از بدو تشکیل حزب و پس از وقوع رویدادهای سال ۱۳۴۲ و اعلام به اصطلاح آزادی زنان و واگذاری حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس، همواره نگاه شاه به این امر معطوف بود که زنان به طور جمعی فعالیت کرده و اهرمی در تسریع دستیابی به اهداف کلان

وی باشند.

در نگاهی به تاریخچه فعالیت‌های زنان درمی‌یابیم که در خلال همین سالها انجمنها و جمعیت‌های زنان تحت اقدامات اشرف پهلوی تمرکز یافته و به یک پارچگی نزدیک شده بودند. ذکر این نکته ضروری است که سازمان زنان ایران که تحت مدیریت اشرف پهلوی فعالیت می‌کرد در آن مقطع حاضر نشد با حزب ایران‌نویین همکاری کند؛<sup>۲۴</sup> و آشکار شدن چنین موضعی خبر از رقابت‌های پیدا و پنهان حزب با دیگر تشکیلات موازی می‌داد.

در مورخه ۱۳۴۵/۷/۲۰ در مجلس شورای ملی بین کارمندان و بعضی از نمایندگان شایع بود که حزب ایران‌نوینی‌ها می‌کوشند تشکیلات زنان ایران را که به وسیله والا حضرت اشرف پهلوی در شرف تشکیل است از همان روزهای اول به سوی حزب ایران‌نویین بکشانند. به همین منظور حزب ایران‌نویین سمیناری به نام سمینار زنان حزب ایران‌نویین به وجود آورده‌اند که روز شنبه ۱۳۴۵/۷/۲۳ افتتاح می‌شود و برای این که به شیعات خود جنبه تحقق ببوشانند از شهبانوی ایران استدعا کرده‌اند که در این روز سمینار را در حزب ایران‌نویین افتتاح نمایند و شهبانوی ایران نیز این استدعا را قبول فرموده‌اند.<sup>۲۵</sup>

پیش از این نیز تلاش‌هایی برای جذب دیگر تشکلهای زنانه صورت گرفته بود. «در تاریخ ۱۳۴۳/۳/۲۰ عده‌ای از بانوان وابسته به جمعیت‌های مختلف زنان برای اعلام همستگی به حزب ایران‌نویین اجتماعی در محل دبیرخانه حزب مذکور ترتیب دادند. منصور دبیرکل حزب و چند تن از بانوان نماینده مجلس در این اجتماع حضور داشتند. در این جلسه عفت سمیعان مدیرعامل شورای عالی جمعیت‌های زنان ایران سخنانی ایراد نمود.»<sup>۲۶</sup>

۱۶۶

### شورای مرکزی زنان حزب ایران‌نویین

حزب ایران‌نویین از همان آغاز مدعی بود که برای جایگاه زنان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور اهمیت قائل است و از آغاز نخست‌وزیری منصور تبلیغ می‌شد که حزب ایران‌نویین که زاینده انقلاب سفید و از نظر شاه پاسدار آن است نقش درجه اولی در استیفای حقوق زنان برعهده دارد. از این رو در خرداد ۱۳۴۵ شورای مرکزی زنان در حزب آغاز به کار کرد. شعار این شورا «رهایی از سنت‌های پوسیده و تقویت فرهنگ و رسوم ملی و میهنی و شکل بخشیدن به افکار مترقی و تجمع نیروهای مفید در جهت انقلاب» بود. این شورا با انتخاب اعضای شورای مرکزی و هیأت عامل به مدت دو سال فعالیت خود را ادامه داد. در سال ۱۳۴۷ با تغییراتی که در حزب ایران‌نویین صورت پذیرفت شورای مرکزی زنان نیز انتخابات هیأت اجراییه خود را تجدید کرد و ۲۱ نفر از اعضا را به عضویت هیأت اجراییه شورای مرکزی زنان انتخاب

نمود و شوکت جهان‌بانی که از ابتدای تشکیل شورا سمت ریاست شورای مرکزی زنان حزب را داشت مجدداً به این سمت انتخاب گردید. سایر اعضا به اسامی خانمها پروین اردافی تبریزی، آذر بهادری، صدری بزرگ‌نیا، فرزانه بیگدلی، فخری رهرو معاون اجرایی شورا، تاج‌الملوک سمیعی، دکتر پریش سرخوش، عزیزالملوک شیبانی، ملک‌شاد شریف، ایران شیخ، طیبه السادات صفایی، پروین صوفی معاون تشکیلات شورا، حوری صولتی، دکتر ملکه طالقانی، همان مشیری، صدیقه موسوی، زهرا نبیل (که از بدو تأسیس شورای مرکزی زنان در هیأت اجراییه عضو بود)، پریچهر حمیدی، ماه منظر ایمن سپاهی و مسعودیان بودند.

ماده دو اساسنامه حزب، شورای زنان را سازمانی وابسته به حزب و مرکب از زنان عضو حزب که زیر نظر مستقیم دبیرکل یا قائم‌مقام دبیرکل اداره می‌شد معرفی می‌نمود.

### اساسنامه شورای مرکزی زنان حزب ایران‌نویین

اساسنامه شورای مرکزی زنان شامل فلسفه و جودی، اهداف و ساختار این شورا و مجموعاً در بیست و دو ماده و نه تبصره بود. در برشماری اهداف این شورا آمده است:

- بسیج و راهنمایی زنان عضو حزب ایران‌نویین برای اجرای برنامه‌های حزبی به ویژه مواردی که زنان نقش حساس‌تری دارند.

- کوشش در راه بالا بردن سطح دانش سیاسی و اجتماعی زنان.

- مجاهدت در راه تحکیم مبانی خانواده.

- بررسی تغییرات اجتماعی ناشی از اجرای قوانین انقلاب در وضع اقتصادی و سیاسی زن ایرانی، و آشنا کردن زنان ایرانی به حقوق مکتسبه و آماده کردن آنان برای قبول مسئولیت‌ها.

- تجهیز زنان روشنفکر برای شرکت مؤثر در فعالیت‌های برنامه انقلاب و بسیج آنان در تظاهرات و فعالیت‌های پر دامنه و همگانی حزب.

- بررسی و پیشنهاد مقررات لازم از نظر حفظ منافع زنان کارگر و کارمند و کشاورز.

- تهیه و پیشنهاد برنامه‌های مددکاری و اجتماعی برای زنان.

- برقراری همکاری با زنان سازمان‌های کشاورزی و کارگری و اصناف و جوانان و انجمن‌های محلی وابسته به حزب.

### ساختار شورای مرکزی زنان

کمیته اجرایی: مرکب از ۲۱ نفر بانوان فعال عضو که توسط دبیرکل برای مدت دو سال انتخاب می‌شدند. جلسات کمیته اجرایی هر پانزده روز یک بار به دعوت رئیس شورای زنان تشکیل

می‌گردید.

- کمیته شهرستانها (استانها، شهرستان و بخش): به مسئولیت زهرا نبیل
  - کمیته‌های روابط عمومی: به مسئولیت فرزانه بیگدلی
  - کمیته تشریفات: به مسئولیت حوری صولتی
  - کمیته امور مالی: به مسئولیت ایران شیخ
  - طرح و برنامه: به مسئولیت ماه‌منظر ایمن سپاهی
  - کمیته امور حقوقی: به مسئولیت پروین صوفی
  - کمیته آموزش: به مسئولیت دکتر پریش سرخوش
  - کمیته عضویت: به مسئولیت تاج‌الملوک سمیعی
  - گرایش زنان روشنفکر به حزب: به مسئولیت دکتر ملکه طالقانی
  - کمیته مددکاری: به مسئولیت عزیزالملوک شیبانی
  - کمیته همکاری با امور شهری شهرداری: به مسئولیت صدری بزرگ‌نیا
- برای هر یک از کمیته‌های شورای زنان و نیز دبیرخانه آن آیین‌نامه‌ای حاوی تشکیلات و شرح وظایف و نیز اهداف آن تهیه و تدوین شده بود. دبیرخانه شورای زنان به ریاست آذر بهادری اداره می‌شد. همچنین رئیس شورای زنان از میان اعضای آن به وسیله دبیرکل حزب و برای مدت دو سال انتخاب می‌شد.
- مشخصات هیأت رئیسه شورای مرکزی (عالی) سازمان بانوان حزب ایران‌نوین در سال ۱۳۴۶
- به شرح زیر اعلام شده است:
  - شوکت جهانبانی - رئیس
  - فخری رهرو - نایب رئیس
  - صدیقه موسوی همدانی - منشی
  - هما مشیری - رئیس هیأت عامل
  - دکتر پریش سرخوش - نایب رئیس هیأت عامل
  - طیب‌السادات طیبی - منشی هیأت عامل
  - ملکه طالقانی
  - زهرا نبیل
  - ایران شیخ
  - صدری بزرگ‌نیا
  - فرزانه بیگدلی آذری

- اشرف نصر
- عزیزالملوک شیبانی
- ملک شاد شریف
- پروین (زهره) صوفی
- حوری صولتی
- آذر دخت هژیر قلیچی (بهادری)
- مهروش صفی‌نیا
- مهرانگیز دولت‌شاهی
- پروین دردافی
- اعظم شایسته
- تاج‌الملوک سمیعی

### اهم فعالیت‌های شورای مرکزی زنان حزب ایران‌نویین

- انجام فعالیت‌های حزبی همگام با سایر افراد در جهت رهبری حزب
  - تشکیل کمیته‌های دوازده‌گانه
  - تشکیل و افتتاح شورای زنان حزب ایران‌نویین در مراکز استانها و شهرستانها
  - برگزاری مراسم ششم بهمن و جشن‌های ملی و میهنی (شاهنشاهی)
  - برگزاری سمینار زنان ایران
  - تشکیل سمینار مسائل زنان کارمند
  - تشکیل کنفرانس هماهنگی شورای زنان حزب ایران‌نویین
- پس از تشکیل و افتتاح شورای زنان، سمینار زنان ایران و سپس زنان کارمند و پس از آن سمینار هماهنگی شورای مرکزی زنان حزب برگزار شد.

### اولین سمینار زنان ایران

همانطور که ذیل فعالیت‌های شورای مرکزی بانوان حزب بیان شد علاوه بر تشکیل کمیته‌های چندگانه و برگزاری مراسم و برنامه‌های مناسبتی مثل جشن‌های شاهنشاهی، برگزاری سمینارهایی با موضوع زنان از جمله برنامه‌های این تشکیلات به شمار می‌رفت. این شورا به منظور ساماندهی به برنامه‌ها اقدام به ایجاد گروه‌های تخصصی نمود. این گروه از اعضای حزب مدعی بودند با توجه به مرامنامه حزب اولین گروه سیاسی زنان در ایران را ایجاد کرده و این نیروی عظیم



انسانی را در امر سازندگی ایران‌نویین شرکت داده‌اند. بنا بر این بود این گروه در شمار بدنه اصلی تشکیلات حزبی و تکیه‌گاهی برای حزب در مبارزات سیاسی و تحقق بخشیدن به هدفهای آن باشند.

اولین سمینار زنان با سخنرانی فرح دیبا در ۲۳ مهرماه ۱۳۴۵ افتتاح شد و با تشکیل کمیسیون‌های هفت‌گانه به مدت شش روز تداوم یافت.

بنا به گزارش‌های ارائه شده مطالب مطروحه در این سمینار حول ۹ محور جمع‌بندی شده بود که اهم آن، تدوین طرحی به منظور تنظیم قوانینی که به تحکیم خانواده توجه کرده، مسئله حضانت کودکان را مدنظر داشته باشد. همچنین اتخاذ تدابیری که به توسعه فعالیت‌های زنان منجر گردد و نیز برخورداری از حقوق یکسان با مردان در مشاغل گوناگون را تأمین نماید. به علاوه تبعیض در احراز مشاغل بین زن و مرد منسوخ شده و زنان نیز از مزایای مقامات و مناصب عالی برخوردار گردند. بخشی از محورها نیز به آموزش و ارتقاء سطح فرهنگی زنان به ویژه در حوزه‌های روستایی عنایت داشت.

حال باید دید محورهای اعلام شده در این سمینار تا چه اندازه در سطح جامعه تأثیرگذار بوده و در برنامه‌های عمرانی (به ویژه برنامه چهارم توسعه) چه جایگاهی داشته است. به عبارتی در ارزیابی نیروی انسانی چه تغییراتی برای نزدیک شدن به این اهداف مشاهده می‌شود. مضاف بر این که در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی به دور از جنجالهای تبلیغاتی، زنان چقدر ایفای نقش کردند و در فضاهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به چه میزان حضور واقعی داشتند؟ در صفحاتی از کتاب پنج جلدی حزب ایران‌نویین از اسناد منتشره توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی از خانم صوفی رئیس آموزش و پرورش ناحیه ۲ نقل شده است:

مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی خانم جهانبانی نماینده مجلس را در دفتر کار خود در مجلس خواسته و گفته است شما مسئولان حزب ایران‌نویین هنگام استقبال از شاه در بازگشت به ایران آبروی حزب خود را برده‌اید و عده‌ای کارگر و عده‌ای از زنهای گودهای جنوب شهر را با لباسهای ژنده و پاره اجیر کرده به نام افراد حزب ایران‌نویین در مسیر موکب مبارک شاهانه قرار داده‌اید و این عمل شما آن قدر زننده بود که ما در انظار خارجی‌ها شرمنده شده‌ایم. حزبی که ادعا می‌کند حکومت را در دست دارد اگر نتواند دوپست یا سیصد نفر بانوان تحصیل کرده و روشنفکر را در این قبیل مواقع جمع کند پس چگونه ادعا کند که از افکار عمومی برخوردار است.<sup>۲۷</sup>

انتظار رئیس مجلس شورای ملی از خانم جهانبانی به عنوان رئیس شورای مرکزی زنان حزب و نماینده مجلس از چند بعد قابل توجه است.

در گزارش دیگری از ساواک آمده است: «در خیابان هاشمی میدانی است که در آنجا رمال و مارگیر و تعزیه‌خوانی می‌شود. امروز بعد از ظهر در آن محل حزب ایران نوین چند صندلی چیده و بلندگو نیز نصب کرده و دو دستگاه مینی‌بوس که حامل عده‌ای زنان جوان بود آنجا آمده و هر یک روی صندلی نشستند. پاهای خود را روی هم گذاشته به طوری که همه جای آنها نمایان بود. جوانان که از دور شاهد این جریان بودند دهانشان آب افتاده و بلندگو نیز اعلام می‌کرد از آقایان خواهش می‌کنم به حزب ایران‌نویین رأی بدهند. هر یک از جوانان و مردان جلو یکی از خوشگلهای ایستاده و ضمن خوردن کواکولا و دادن برگ به آنها توصیه می‌شود برگ مخصوص را گرفته در صندوق‌ها بیندازند.» در ادامه این سند آمده است: «سرهنگ مقدم گفت این سیاست دولت است که هر طور ایجاب کند باید انجام گیرد. در آمریکا خانم‌ها روی میو خودشان نام کاندیدا را می‌نویسند. بنابراین روش دولت ما جای هیچ‌گونه ایرادی نیست.»<sup>۲۸</sup>

علاوه بر انتظاراتی که ذکر شد، فراگیری تعلیمات حزبی، برگزاری اجتماعات و میتینگ‌های حزبی برای شرکت دادن مردم در انتخابات و حمایت از نامزدهای حزب و ترغیب آنان به مشارکت در انتخابات، انجام مراسم تشریفاتی، نفوذ در بین زنان روستایی و جلب آنان به حمایت از حزب و برنامه‌های آن از جمله توقعات سازمانی از این دسته از زنان بود که حزب و سایر دولتمردان وابسته به آن از زنان حزبی انتظار داشتند.

در اسفند سال ۱۳۴۹ گروهی از زنان عضو حزب «کمیته زنان روشنفکر حزب ایران نوین» را پایه‌گذاری کردند که مدیریت آن بر عهده مهروش صفی‌نیا بود و اهداف این کمیته بالا بردن سطح فکر و فرهنگ و دانش سیاسی زنان در خانواده و اجتماع، تشکیل جلسات سخنرانی، آشنا نمودن زنان به حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آنان، بحث و تبادل نظر درباره رویدادهای سیاسی ایران و جهان، جلب همکاری و همفکری کلیه زنان به حزب و تبادل نظر با کمیسیون‌های مختلف قسمت زنان و همکاری با آنان اعلام شد. از جمله طرح‌های تقریباً پر سر و صدایی که از سوی قسمت زنان در پاییز ۱۳۵۲ ارائه شد موضوع تقسیم اموال و دارایی‌های زنان و شوهران به نسبت مساوی پس از جاری شدن صیغه طلاق میان آنان بود که به سرعت با مخالفت و واکنش انتقادآمیز برخی محافل سیاسی و اجتماعی مواجه گردید.<sup>۲۹</sup>

نکته قابل اشاره این که در درون اعضای شورای زنان حزب ایران‌نویین هم نظیر سایر بخش‌های این حزب رقابت و چند دستگی و در واقع فرصت‌طلبی و سودجویی به شدت جریان داشت. به هر حال شورای زنان حزب اکثریت، در سال ۱۳۵۰ تغییراتی را پشت سر گذارد که مهم‌ترین آن تغییر نام آن به «قسمت زنان» بود که مقرر شد زیر نظر معاون اجرایی حزب ایران‌نویین فعالیتش را ادامه دهد. نظیر تشکیلات سابق «شورای زنان» در این تشکل جدید

هم باز شوکت‌الملوک جهانبانی کماکان سمت ریاست را داشت. شواهد و قرائن موجود نشان می‌داد که تشکل زنان حزب ایران‌نویین در طول دهه ۱۳۵۰ نتوانست ولو صوری عضوی برای خود و نهایتاً برای حزب اکثریت دست و پا کند تا جایی که در هنگام شرکت در مراسم مورد اعتنای شاه و دربار نظیر سالروز انقلاب به اصطلاح سفید و غیره قادر نبود سیاهی لشکری ولو کوچک بسیج کند.<sup>۳۰</sup>

### سخن آخر

شاه پس از سفر به آمریکا در دوران دولتمداری کندی و مذاکره در باب تغییرات سیاسی - اجتماعی، اصلاحات صوری خود را آغاز نمود. با حضور نسل جدید ایرانی تحصیل‌کرده آمریکا در کشور که سودای صدرنشینی هم در سر داشتند اجرای اصلاحات دستوری شروع شد. فرآیند جایگزینی مدیران جدید با نسل قدیمی ترفندهای سیاسی می‌طلبید. تشکیل احزاب و رقابتهای نمایشی، از انتخابات و دموکراسی تصویر مضحکی ساخته بود. در این که آمریکایی‌ها مهره‌گردان حزب ایران‌نویین بودند و فعالیت‌های آن را زیر نظر داشتند تردیدی نیست. اعضای اصلی کانون مترقی همان دست‌پروردگان اصل ۴ ترومن بودند که برای تأمین منافع آمریکا تربیت شده بودند. این مدافعان و نگهبانان منافع آمریکا در ایران، در جمع خود زنان را نیز با دست‌آویز احقاق حقوق‌شان وارد کرده، از توان آنها برای پیشبرد مقاصد خود بهره‌برداری کردند. با توجه به این که این احزاب در اواسط دهه ۴۰ اثر وجودی<sup>۳۱</sup> خود را از دست دادند، نه زنان حزب در اهداف خود موفقیتی کسب کردند، نه منشأ توفیقی برای سایر زنان کشور شدند. با نگاهی به سوابق زنان حزب ایران‌نویین درمی‌یابیم بسیاری از بانوانی که در بازی‌های سیاسی عصر پهلوی نامشان در فهرست‌ها جا به جا می‌شد، یا خود وابسته به جریانهای انحرافی بوده و یا در خانواده‌هایی رشد یافته که پدرانشان و یا همسرانشان مهره‌های سرشناسی بودند و در یک رابطه متقابل مناصبی را احراز می‌کردند که از راههای دیگر یا غیرممکن بود و یا بسیار سخت و دشوار. در مواردی هم دیده می‌شود که مردان با استفاده از جایگاه‌های سیاسی، موقعیت زنان را در چنین عرصه‌هایی بهبود بخشیده، از تبعات ناشی از آن خود منتفع می‌شدند.

همچنین تعدادی از زنانی که در حزب ایران‌نویین فعالیت داشتند چهره‌های خوشنامی نبوده، در بین هم‌ردیفان خود وجهه مطلوبی نداشتند و از نگاه بانوان پاکدامن آن دوران و جاهت اجتماعی نداشتند.

همانطور که آقایان با زد و بندهای سیاسی و وصل شدن به جریانات سیاسی مترصد دستیابی به فرصتهایی برای کسب قدرت بودند، خانم‌ها نیز همین روش را دنبال می‌کردند. اینان از ظرفیتهای

غیرمشروع مانند نفوذ خانواده و لابی‌های سیاسی بهره‌مند می‌شدند. این بانوان در چارچوب حزب ایران‌نویین با همان شکل صوری و نمایشی در دوره‌های متوالی به عنوان نماینده، کرسی مجلس<sup>۳۳</sup> را اشغال کرده و با دست‌آویز دفاع از حقوق زنان، خانواده و ارتقاء موقعیت زنان در طول سالیان دراز فقط توانستند دقایقی از تریبون مجلس استفاده کرده و به شاه و خاندانش تبریک و تهنیت بگویند.

## پانوشتها

- ۱- حسنی، حسین، حزب و توسعه سیاسی، تهران، نشر آمن، ۱۳۷۸، ص ۷.
  - ۲- درباره نقش گراتیان یاتسویچ در ذیل عنوان کانون مترقی آمده است: «یاتسویچ رئیس دفتر سیا در ایران، یک آمریکایی یوگسلاوی‌الاصل و اجاره‌نشین حسنعلی منصور بود و از نزدیک در جریان جلسات و پیشرفت‌های کانون مترقی قرار داشت. در این زمان حسنعلی منصور به یکی از دوستان نزدیک یاتسویچ تبدیل شده بود و طبیعی بود که اگر در این شرایط یاتسویچ را نفر اول و حسنعلی منصور را نفر دوم این ارتباطات بدانیم بدون تردید امیرعباس هویدا نفر سوم بود. گراتیان یاتسویچ این روابط را به شکل زیر توصیف کرده است: «هویدا را زیاد می‌دیدم جلساتشان در منزلی که در همسایگی خانه من بود تشکیل می‌شد که گاه من هم وقت ناهار در این جلسات شرکت می‌کردم. به گمان من گرچه منصور به ظاهر ریاست گروه را به عهده داشت اما مغز متفکر جریان هویدا بود.» اولین گزارشی که درباره این گروه به ساواک رسید حاکی بود که «اخیراً یک جمعیت سیاسی جدیدی در تهران تشکیل شده که تقریباً وضعی شبیه به یک حزب دارد ولی هنوز صورت حزب ندارد. اسم آن را فعلاً «گروه پیشرو» گذاشته‌اند. بعید نیست در آینده تغییر کند تا آنجایی که بنده اطلاع دارم مؤسسين و بازی‌گردانان این جمعیت مفصله‌الاسامی زیر می‌باشند: آقای حسنعلی منصور، ایرج منصور، آقای دکتر محمدعلی مولوی، آقای دکتر فریدون معتمدی وزیری، آقای عباس هویدا. تقریباً در حدود ۳۰ نفر تاکنون عضو پیدا کرده است.»
  - به هر حال در اوایل سال ۱۳۴۰ حسنعلی منصور تصمیم به ثبت کانون مترقی گرفت؛ از این رو اعضای مؤسس را به شرح زیر به شهربانی کل کشور معرفی کرد:
  - حسنعلی منصور فرزند علی (منصورالملک) دبیرکل شورای عالی اقتصاد
  - محسن خواجه‌نوری فرزند حاج محمدعلی کارمند وزارت کار
  - عباس هویدا فرزند حبیب‌الله عضو هیأت مدیره شرکت نفت ایران
  - دکتر منوچهر شاهقلی فرزند امامقلی پزشک
  - فتح‌الله ستوده فرزند علی‌اکبر مدیرعامل شرکت سهامی کارخانجات ونک
- شهربانی کل کشور این تقاضا را برای اظهارنظر به سازمان اطلاعات و امنیت ارسال کرد. جالب توجه این که از بین این ۵ نفر سه نفر (امیرعباس هویدا، منوچهر شاهقلی و فتح‌الله ستوده) بهایی بودند. حمایت از کانون مترقی و اعضای آن به گونه‌ای آشکارا صورت می‌گرفت که برای محافل سیاسی روشن بود که این گروه در آینده‌ای نه چندان دور امور سیاسی و اجتماعی کشور را به دست خواهد گرفت.
- در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی کانون مترقی به صورت علنی‌تر وارد مسائل سیاسی شد و در اولین خیر

- کاندیداهای آن برای نمایندگی، حسنعلی منصور، هویدا و کشفیا معرفی شدند. این حرکت‌ها در حالی صورت می‌گرفت که بخش اعظم وقت امیرعباس هویدا صرف کار سازماندهی تشکیلات کانون مترقی می‌شد. ارتباط حسنعلی منصور در مهرماه ۱۳۴۲ با جولیوس هولمز سفیر وقت آمریکا در ایران نشانگر زودرس بودن زمانه منصور بود. هولمز در حاشیه گزارشی که منصور درباره فعالیت‌ها و اقداماتش به او داد نوشت: «امیرعباس هویدا که از مقامات عالی‌رتبه شرکت نفت است یار اصلی منصور در کار تشکیل کانون مترقی بوده است.» در آبان ماه ۱۳۴۲ معلوم شد که حسنعلی منصور تصمیم دارد تا کانون مترقی را به یک حزب سیاسی به نام «حزب مترقی» تبدیل نماید. ولی چند روز بعد به علت اینکه منصور و افرادی که از کانون مترقی به مجلس شورای ملی رفته و فراکسیون ششم بهمین را تشکیل داده بودند اعلام شد که حزبی که قرار است توسط اعضای مؤسس کانون مترقی تشکیل گردد «نهضت ششم بهمین» نام دارد و در نهایت در روز ۱۳۴۲/۸/۲۷ حسنعلی منصور در جلسه کانون مترقی اعلام کرد که قصد تشکیل حزبی با نام «حزب ایران‌نویں» دارد و همان روز در مجلس شورای ملی موجودیت آن را اعلام کرد. پس از این مرحله به همراه ۹ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی که عضو فراکسیون ششم بهمین بودند برای کسب اجازه اعلام موجودیت به دیدار محمدرضا پهلوی رفت. شاه در این دیدار گفت من از تشکیل این حزب پشتیبانی خواهم کرد و دستور خواهم داد همه‌گونه مساعدت و تسهیلات را فراهم نمایند. (ذوالفقاری، ابراهیم، قصه هویدا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶، صص ۱۴۱-۱۳۵).
- ۳- خانم‌های عضو فراکسیون مترقی گروه دهقانان - گروه کارگران (نهضت ائتلافی ششم بهمین) نیره ابتهجاسمعی، هاجر تربیت، جهانبانی، مهرانگیز دولتشاهی، فرخ‌رو پارسا بودند. تعداد اعضا ۱۳۵ نفر بود.
- ۴- در روز ۲۴ آذرماه در تالار فرهنگ جلسه‌ای تشکیل شد و اعضای هیأت رئیسه حزب به شرح زیر معرفی شدند:
- باقر عاملی نایب رئیس مجلس شورای ملی
  - امیرعباس هویدا رئیس هیأت مدیره شرکت ملی نفت
  - هاجر تربیت نماینده مجلس شورای ملی
  - حیدر صائبی نماینده مجلس شورای ملی
  - علی مرادی نماینده مجلس شورای ملی.
- ۵- نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، صص ۳۱۸-۳۱۷.
- ۶- گازیوروسکی، مارک، ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ایجاد یک حکومت سلطه‌پذیر در ایران، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، صص ۳۳۲-۳۳۱.
- 7- <http://fa.wikipedia.org>.
- ۸- شاهدی، مظفر، سه حزب مردم، ملیون، ایران‌نویں ۱۳۵۳-۱۳۳۶، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷، (صص ۶۸۲-۶۸۱).
- ۹- حزب ایران‌نویں به روایت اسناد ساواک، ج ۴، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱.
- ۱۰- همان، ص ۱۱۵. سرانجام خانم بلوری به کمک برادرش نفر ۴۴ شورای مرکزی شد.
- ۱۱- همان، ج ۲، ص ۱۰۶.
- ۱۲- همان، ص ۲۱۶.
- ۱۳- همان، ص ۲۵۴.
- ۱۴- همان، ج ۴، ص ۲۰۵.
- ۱۵- ۱۳۵۰/۶/۱۱.
- ۱۶- حزب ایران‌نویں به روایت اسناد ساواک، ج ۳، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۱۷.
- ۱۷- حشمت بیگدلی ظاهراً محبوبیتی بین مردم نداشته، با حمایت دکتر شادمان در انتخابات اعضای شورای مرکزی در دومین کنگره انتخاب شده بود.

۱۸- زهرا تاج‌الملوک سمیعی، فرزند ابراهیم در سال ۱۲۸۷ در تهران به دنیا آمد. وی عضو انجمن شهر تهران، عضو انجمن معاونت زنان در شهرداری تهران، عضو شورای زنان ایران، عضو هیأت مدیره و عضو شورای عالی جمعیت بهزیستی و آموزش فرح، عضو هیأت مدیره جمعیت خیریه فرح پهلوی، عضو انجمن بین‌المللی زنان، داوطلب نمایندگی مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۴ و عضو (رئیس گروه بانوان) حزب ملیون و عضو هیأت عامل قسمت زنان حزب ایران‌نویین بوده است.

۱۹- از طرف حزب ایران‌نویین صورتی از افراد برای احراز مقامات مملکتی در سطح معاون وزارت‌خانه و مدیران کل و اشتغال در شرکتهای خصوصی وابسته به دولت تهیه گردیده که در آن پاره‌ای از افراد که از نظر اخلاقی و اجتماعی دارای سوء شهرت در جامعه هستند، به چشم می‌خورد. از جمله نام فخری رهرو را که کاندید معاونت وزارت آموزش و پرورش نموده‌اند. نامبرده به علت انحرافات اخلاقی و روابط ممتد و نامشروع با شخصی به نام حمید حمید که در وزارت اطلاعات کار می‌کرده در بین جامعه فرهنگیان معروف است. آنها پس از برملا شدن موضوع پس از سالها رابطه ناچار حمید با زن و فرزندانش متارکه کرده و با مشارالیها ازدواج می‌کند. این ازدواج مقارن با مدتی پس از انتصاب ایشان به سمت مدیرکل آموزش و پرورش صورت گرفته، نامبردگان گویا فقط ده ماه پس از ازدواج از یکدیگر جدا می‌شوند و حمید حمید با نوشته‌هایش خودش را موجب به اصطلاح ترقی و معروفیت خانم رهرو می‌داند با پخش اعلامیه و نامه به دستگاه‌های مختلف مملکتی و مراجعه شخصی به اشخاص درصدد برملا کردن اسرار بین خودشان برمی‌آید. فخری رهرو نیز برای دریافت مهریه‌اش از شخص مزبور اجرائیه صادر می‌کند و او را به زندان می‌اندازد و به هر صورت قصه این دلدادگی عالمگیر می‌شود و اکنون قهرمان داستان مزبور کاندید معاونت وزارت‌خانه‌ای است که لاقلاً پنجاه هزار نفر از بانوان تحصیل کرده مملکت، نیمی از بار آن را بر دوش می‌کشند. (حزب ایران‌نویین به روایت اسناد ساواک، ج ۴، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۳۲۹).

۲۰- حزب ایران‌نویین به روایت اسناد ساواک، ج ۲، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۲۱- ایفای نقش همسر کلانلی به عنوان رابط سیا با حزب ج‌ای تحقیق و بررسی دارد.

۲۲- کلنل یا همان سرهنگ گراتیان یاتسویچ افسر نیروی هوایی یوگسلاوی بود که در زمان جنگ جهانی دوم با هواپیمای خود به آمریکا پناهنده و تبعه این کشور شد. او با تأسیس «آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا» (سیا) به استخدام این سرویس درآمد و پس از قریب به یک دهه فعالیت اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف به عنوان رئیس سیا در ایران که از مسئولیت‌های مهم محسوب می‌شد عازم تهران شد. وی در تاریخ ۱۳۳۶/۷/۱۷ به عنوان دبیر اول سفارت آمریکا وارد تهران شد و طی دوران اقامت خود دارای سمت‌های پوششی چون مستشاری سازمان برنامه و از ۱۳۴۱ وزیرمختار سفارت آمریکا بود. دوران مأموریت یاتسویچ ۶ سال به طول کشید. دوران ۶ ساله فوق از مقاطع حساس تاریخ معاصر ایران است. این دوران با صعود دموکرات‌ها به ریاست جمهوری آمریکا و ایجاد فضای باز سیاسی در ایران همزمان است که موجب پیدایش و فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی رنگارنگ و صعود دولت امینی گردید. اسناد موجود از نقش فعال یاتسویچ در این دستجات سیاسی حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که وی دارای ارتباط گسترده با چهره‌های گوناگون سیاست روز بود. ارتشبد فردوست در خاطرات خود به نقش یاتسویچ در «جبهه ملی دوم» اشاره دارد. وی در فروردین ۱۳۴۲ به همراه رابرت کومر کارشناس عالی‌رتبه سیا در جنگ‌های روستایی به استان فارس مسافرت کرد. این سفر در اوج عملیات سرکوب عشایر جنوب تحت عنوان «غائله فارس» رخ داد و بیانگر نظارت مستقیم سیا بر این عملیات است. یاتسویچ در آخرین ماه‌های اقامت در ایران در صعود حسنعلی منصور به نخست‌وزیری نقش اصلی را ایفا کرد و سپس در اوایل سال ۱۳۴۳ از کشور خارج شد و مسئولیت اداره شبکه سیا را به کانونی سپرد. یاتسویچ پس از خروج از ایران در آتن مستقر گردید و مسئولیت آن منطقه را به دست گرفت. اسناد موجود حاکی است که همزمان با سفر فیلیپ تالبوت معاون وزارت امور خارجه آمریکا به منطقه در بهمن و اسفند ۱۳۴۳ به لبنان و سوریه، عمان و عراق مسافرت داشته است. در سالهای بعد وی مسافرت‌های متعددی به تهران داشته که مسلماً به مسئولیت جدید وی در سیا مربوط است. او در اکثر این سفرها میهمان اسدالله علم بود و معمولاً در منزل جمشید خیبر رئیس دفتر عبدالرضا پهلوی اقامت می‌گزید. در سال ۱۳۴۶

یاتسویچ پس از ۲۰ سال کار در سیبا ترجیح داد که به فعالیت بازرگانی روی آورد و طبق اظهارات خود همان راهی را طی کند که کرومیت روزولت پیمود. او با کناره‌گیری از سیبا به تأسیس یک شرکت صادرکننده در آمریکا دست زد و در این نقش جدید ایران را مهم‌ترین بازار فروش خود تشخیص داد. در واقع بذری که با دستان خود او در ایران افشاند شد و ثمره‌اش با طرح اصلاحات ارضی به ورشکستگی کشاورزان ایران انجامید اکنون محصول خود را به او ارزانی می‌داشت. یاتسویچ تاجر از این پس تمامی امکانات و روابط و نفوذ خود را در ایران در جهت معاملات کلان خود به کار گرفت. یاتسویچ بخش اعظم گندم و جو وارداتی ایران را در انحصار داشت. مسلماً گندم و جو تنها اقلیمی نبود که یاتسویچ در صدور آن به ایران نقش داشت. شبکه دوستانی که میلیون‌ها دلار سود را برای وی تأمین می‌کردند و مسلماً خود نیز از این میانه سهمی می‌بردند لیست طولی را در برمی‌گیرد که در رأس آن نام اسدالله علم قرار دارد. در این لیست اسامی زیر مشاهده می‌گردد: هوشنگ انصاری، عبدالرضا انصاری، ابوالحسن ابتهاج، جواد منصور، منوچهر ریاحی، جمشید دفتری، مهندس اسکندر فیروز، مهندس نرسی فیروز، شاهرخ فیروز، جمشید خبیر و بالاخره نعمت‌الله نصیری ریاست ساواک. یاتسویچ با هما‌زند عتیقه فروش نیز رابطه دوستانه‌ای داشته و به نظر می‌رسد که از این طریق در زمینه قاچاق آثار عتیقه فعالیت می‌کرده است. در تاریخ ۱۳۵۰/۶/۱۸ یکی از منابع ساواک درباره یاتسویچ چنین گزارش می‌دهد: اطلاعاتی درباره نامبرده دارم به شرح زیر است:

۱. مدت زیادی است که با نامبرده آشنایی دارم و اکثراً در میهمانی‌ها او را ملاقات می‌نمایم.
  ۲. یک بار همسر وی به اتفاق خانم پاکروان در بندر پهلوی میهمان من بودند.
  ۳. یاتسویچ که فرد فوق‌العاده زرنگی است با اکثر رجال کشور آشنایی دارد و این باعث شده که شرکت‌های صادرکننده آمریکایی از وجود وی برای پیشبرد مقاصد اقتصادی خود استفاده نمایند. افرادی که با یاتسویچ دوستی زیادی دارند یا داشته‌اند عبارتند از: مرحوم حسنعلی منصور، جواد منصور، منوچهر ریاحی، مهندس اسکندر فیروز، مهندس نرسی فیروز، (هوشنگ) انصاری وزیر اقتصاد و عده‌ای دیگر.
  ۴. نامبرده فوق‌العاده خودخواه و از خود راضی است.
  ۵. نسبت به زن فوق‌العاده حساسیت و علاقه دارد و بدین دلیل با استفاده از این حس می‌توان مسائل موردنظر را از وی کسب نمود.
  ۶. همسر وی بسیار معاشرتی و خونگرم است و اکثراً در امور مختلف به همسرش کمک می‌کند.
- نظریه منبع: به نظر بعید نمی‌رسد نامبرده در پوشش اقتصادی فعالیت‌های اطلاعاتی نیز انجام دهد و در امور سیاسی نیز مداخلاتی داشته باشد.

در تاریخ ۱۳۵۱/۸/۱ یکی دیگر از منابع ساواک چنین گزارش می‌دهد:

آقایان شایگان مدیر کشتیرانی آریا، شیخ سعید قائم‌مقام شرکت دریایی کرسنت (در واشنگتن، نیویورک، کانادا) و کلنل یاتسویچ رئیس شرکت و گرداننده کمپانی فوق را به من معرفی و اظهار داشت جهت حمل بار از آمریکا به ایران با این شرکت قراردادی به طور مساوی منعقد نمایم و اضافه نمود: سرهنگ یاتسویچ یک کارمند سیاسی در سفارت آمریکا بوده و دوست نزدیک آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی می‌باشد و این کمپانی یک شرکت مهم فرستنده محصولات در ممالک متحده و کانادا می‌باشد که با پاکستان، بنگلادش و تونس معاملات زیادی دارد. هفته قبل ضمن ملاقات با ویلیام برومل راجع به یاتسویچ سؤال نمودم. برومل اظهار داشت که تا ۵ سال قبل وی مأمور سیا بود ولی دیگر نیست. (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲، صص ۲۲۶-۲۲۴).

۲۳- اسناد ساواک.

۲۴- در اوایل سال ۱۳۵۰ که اشرف پهلوی اجازه داد اعضای سازمان زنان تحت مدیریت او در احزاب سیاسی وقت عضو شوند رهبران حزب ایران‌نویین امیدوار شدند که از این طریق بر شمار زنان عضو این حزب بیفزایند ولی نتایج چشمگیری از آن حاصل نشد.

۲۵- حزب ایران‌نویین به روایت اسناد ساواک، ج ۲، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۹۹.

۲۶- عفت سمیعان، قائم‌مقام سازمان زنان ایران - که اشرف پهلوی ریاست آن را به عهده داشت - و مدیرعامل



## زنان و حزب ایران‌نویین

- سابق شورای عالی زنان جمعیت‌های زنان بود و ۱۵ سال ریاست یکی از دبیرستانهای تهران را بر عهده داشت. او فارغ‌التحصیل مدرسه آمریکایی است و به کشورهای انگلستان، اسرائیل و یونان و فرانسه سفر کرده بود. (همان، ج ۱، ص ۴۱۰).
- ۲۷- حزب ایران‌نویین به روایت اسناد ساواک، ج ۲، مرکز بررسی‌های اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۸۸
- ۲۸- همان، ج ۴، ص ۲۲۵.
- ۲۹- شاهدی مظفر، سه حزب مردم، ملیون، ایران‌نویین ۱۳۵۳-۱۳۳۶، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۶۸۵.
- ۳۰- همان، ص ۶۸۴.
- ۳۱- به تأیید ساواک حزب ایران‌نویین در نیمه دوم سال ۱۳۴۵ در بین طبقات مختلف مردم اثر وجودی خود را از دست داده و به سازمانی فقط جهت تبریک و تهنیت برای شاه تبدیل شده بود.
- ۳۲- در بین ۱۲۹ نماینده فراکسیون پارلمانی این حزب خانم‌ها هاجر تربیت، نیره ابتهاج سمیعی، شوکت‌الملوک جهانبانی، مهرانگیز دولتشاهی از جمله نمایندگان مجلس شورای ملی و عضو فراکسیون پارلمانی حزب ایران‌نویین بودند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی